



لوح احترق

بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَمِ الْأَعْظَمِ

قَدِ احْتَرَقَ الْمُخْلِصُونَ مِنْ نَارِ الْفِرَاقِ، أَيْنَ تَشَعُّشُ آنوارِ لِقَائِكَ يَا مَحْبُوبَ
الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ تُرِكَ الْمَقْرُبُونَ فِي ظَلْمَاءِ الْهِجْرَانِ، أَيْنَ إِشْرَاقُ صُبْحِ
وِصَالِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ تَبَلَّبَ أَجْسَادُ الْأَصْفَيَاءِ عَلَى أَرْضِ
الْبُعْدِ، أَيْنَ بَحْرُ قُبِّيكَ يَا جَذَابَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَرْتَقَعَتْ أَيَادِي الْأَرْجَاءِ إِلَى
سَمَاءِ الْفَضْلِ وَالْعَطَاءِ، أَيْنَ أَمْطَارُ كَرِمَكَ يَا مُجِيبَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ قَامَ
الْمُشْرِكُونَ بِالْإِعْتِسَافِ فِي كُلِّ الْأَطْرَافِ، أَيْنَ تَسْخِيرُ قَلْمَنْ تَقْدِيرِكَ يَا مُسَحِّرَ
الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَرْتَقَعَ نُبُاحُ الْكِلَابِ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، أَيْنَ غَضَنْفُرُ غِيَاضِ
سَطُوتِكَ يَا قَهَّارَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَخَذَتِ الْبُرُودَةُ كُلَّ الْبَرِيَّةِ، أَيْنَ حَرَاءُ
مَحَبَّتِكَ يَا نَارَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ بَلَغَتِ الْبَلِيلَةُ إِلَى الْغَايَةِ، أَيْنَ ظُهُورَاتُ فَرَجِكَ
يَا فَرَجَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَحَاطَتِ الْظُّلْمَةُ أَكْثَرَ الْخَلِيقَةِ، أَيْنَ آنوارُ ضِيَائِكَ يَا
ضِيَاءِ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ طَالَتِ الْأَعْنَاقُ بِالنَّفَاقِ، أَيْنَ أَسِيفُ أَنْتِقَامِكَ يَا
مُهْلِكَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ بَلَغَتِ الْدُّلُلَةُ إِلَى الْنَّهَايَةِ، أَيْنَ آيَاتُ عِزَّتِكَ يَا عَزَّ
الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَخَذَتِ الْأَحْزَانُ مَطْلَعَ أَسِمَكَ الْرَّحْمَنِ، أَيْنَ سُرُورُ مَظَهِرِ
ظُهُورِكَ يَا فَرَحَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَخَذَ الْهُمُّ كُلَّ الْأَمْمَ، أَيْنَ أَعْلَامُ أَبْتَهاجِكَ يَا
بَهْجَةِ الْعَالَمِينَ ❀ تَرَى مَشْرِقَ الْآيَاتِ فِي سُبُحَاتِ الإِشَارَاتِ، أَيْنَ إِصْبَعَ
قُدْرَتِكَ يَا أَقْتِدارَ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَخَذَتِ رَعْدَةُ الْظُّمَاءِ مَنْ فِي الْإِنْشَاءِ، أَيْنَ
فُرَاثُ عِنَاتِكَ يَا رَحْمَةِ الْعَالَمِينَ ❀ قَدْ أَخَذَ الْحِرْصُ مَنْ فِي الْإِبْدَاعِ، أَيْنَ
مَطَالِعُ الْإِنْقِطَاعِ يَا مَوْلَى الْعَالَمِينَ ❀ تَرَى الْمَظْلُومُ فَرِيدًا فِي الْغُرْبَةِ،

ای بخشندۀ عالمیان؟ ❀ همانا جهان از گرد گناه غبار آلود شده است ❀ کجايند بوهای خوش بخشش گناهان تو، ای آمرزندۀ عالمیان؟ ❀ همانا اين غلام در زميني بي آب و علف مانده است ❀ کجاست باران پر برکت فضل تو، ای فريادرس عالمیان؟ ❀ ای قلم اعلى! براستی ندای شيرین ترا از جبروت بقا شنيديم. بشنو آنچه را که زيان خداوند تعالي ايراد کرده است، ای مظلوم عالمیان! ❀ آگر سردی نبود، چگونه سرمای سخن تو آشکار می شد، ای مبین عالمیان؟ و آگر بلا نبود، چگونه خورشید صبر تو می دخشید، ای پرتو عالمیان؟ ❀ از دست اشاربی قراری مکن، چه تو برای تحمل و برباری آفریده شده ای، ای مايه شکيبايان عالمیان! ❀ چه شيرین است تابش تو از افق پیمان در میان اهل نفاق و چه شيرین است اشتیاق تو به خداوند، ای عشق عالمیان! ❀ پرچم استقلال به وسیله تو بر فراز بلند ترين کوهها برافراشته شد و دریای فضل به وسیله تو موج آمد، ای مايه شور و اشتیاق عالمیان! ❀ خورشید توحید با يكتايی تو در خشید و سرزمین يگانگی با غربت توزينت یافت. پس شکيبا باش، ای غريب عالمیان! ❀ همانا ما خاري را پيراهن بزرگواری قرارداديم و بلاها را زیور هيكل تو، ای فخر عالمیان! ❀ می بینی که قلبها از نفرت پر شده است و خطابوشی ترا سزاست، ای پنهان کننده عیوب عالمیان! ❀ هرگاه شمشیری را دیدی، به سوی آن بستاب و چون تيري از کمان رها گردید، از آن استقبال کن، ای فدائی عالمیان! ❀ آیا این توبی که که ناله و زاري می کنی يا من هستم که باید نوحه کنم؟ بلکه باید از کمی یارانت بگريم، ای کسی که به وسیله ات ناله عالمیان بلند شد! ❀ همانا ندای تورا شنیدم، ای محبوب ابهی و این در هنگامی است که چهره بهاء از حرارت بلا به انوار کلمه درخشان تو برافروخته شده است. او با وفا داري (ایمان به تو) در مکان شهادت برای فدا شدن به پا خاسته است در حالی که ناظر به تو است، ای معین کننده تقدير عالمیان! ❀ ای على قبل اکبر! خدای را سپاس گذار به خاطر اين لوح که از آن رائحة مظلوميت مرا می توانی دريابي و بداني که در راه خداوند معبد عالمیان چه بermen می گذرد. ❀ آگر همه بندگان اين لوح را بخوانند و در آن تفکر کنند، هر آينه در رگی از رگ هایشان آتشی افروخته می شود که عالمیان را مشتعل می گرداند ❀

به نام خداوندی که دیرین ترین و بزرگترین است

همانا دلهای مخلصان در آتش جدایی سوخت. کجاست تابش انوار دیدار توای محظوظ عالمیان؟ همانا مقربان در تاریکی هجران رها گردیدند. کجاست درخشش صبح وصال تو، ای مقصود عالمیان؟ همانا اجساد برگزیدگان لرزان (پریشان و آشفته) بر روی زمین های دوردست افتاده است. کجاست دریای نزدیکی تو، ای جاذب عالمیان؟ همانا دستهای آرزومند به سوی آسمان فضل و عطا بلند شده است. کجاست باران های بخشش تو، ای پذیرنده دعاهای عالمیان؟ همانا مشرکین در همه جا بر جور و ستم برخاسته اند. کجاست تسبیح قلم تقدیر تو، ای تسخیر کننده عالمیان؟ همانا با نگ پارس سکان در همه جا بلند شده است. کجاست شیر بیشه های قدرت تو، ای چیره شونده (جزا دهنده) عالمیان؟ همانا سردی همه مردمان را فراگرفته است. کجاست گرمی محبت تو، ای آتش عالمیان؟ همانا رنج و بلا به آخرین درجه رسیده است. کجاست پیدایی گشايش تو، ای گشايش دهنده عالمیان؟ همانا تاریکی بسیاری از مردمان را فراگرفته است. کجاست روشی ضیاء (نور) تو، ای روشی بخش عالمیان؟ همانا گردن ها برای نفاق و دشمنی برافراشته شده است. کجا یند شمشیر های انتقام تو، ای هلاک کننده عالمیان؟ همانا خاری به آخرین درجه رسیده است. کجا یند نشانه های اجمدی تو، ای سرچشمۀ ارجمندی عالمیان؟ همانا حزن و اندوه ها مطلع نام رحمانت را فراگرفته است. کجاست شادمانی مظہر ظهور تو، ای سرچشمۀ شادی عالمیان؟ همانا اندوه همه مردمان را فراگرفته است. کجا یند پرچم های شادمانی تو، ای مایه خوشی عالمیان؟ مشرق آیات را در پس پرده های کنایات و اشارات گرفتار می بینی. کجاست انگشت توانایی تو، ای اقتدار عالمیان؟ همانا تندر تشنگی همه آفریدگان را احاطه کرده است. کجاست آب گواری عنایت تو، ای رحمت عالمیان؟ همانا آز همه مردمان را فراگرفته است. کجا یند محل های طلوع انقطاع (پرهیزکاری) تو، ای مولای عالمیان؟ می بینی این مظلوم را تنها و بی کس در سرزمین غرت.

يا جَوَادُ الْعَالَمِينَ قَدْ تَغَيَّرَ الْأَكْوَانُ مِنْ غُبَارِ الْعِصَيَانِ آَيْنَ نَفَحَاتُ غُفَرَانِكَ يَا غَفَّارَ الْعَالَمِينَ قَدْ بَقَى الْغَلَامُ فِي أَرْضٍ جَدَبَاءَ آَيْنَ غَيْثُ سَمَاءِ فَضْلِكَ يَا غِيَاثَ الْعَالَمِينَ آَنِ يَا قَلْمَ الْأَعْلَى قَدْ سَمِعْنَا نِدَاءَكَ الْأَحْلَى مِنْ جَبَرُوتِ الْبَقَاءِ آَنِ أَسْتَمِعَ مَا يَنْطِقُ بِهِ لِسَانُ الْكَبِيرِيَاءِ يَا مَظْلُومَ الْعَالَمِينَ لَوْلَا الْبُرُودَةُ كَيْفَ تَظَاهَرُ حَرَارَةُ بَيَانِكَ يَا مُبَيِّنَ الْعَالَمِينَ وَلَوْلَا الْبَلِيهُ كَيْفَ أَشَرَّقَتْ شَمْسُ أَصْطِبَارِكَ يَا شُعَاعَ الْعَالَمِينَ لَا تَجَزَّعَ مِنَ الْأَشْرَارِ قَدْ خُلِقْتَ لِلْأَصْطِبَارِ يَا صَبَرَ الْعَالَمِينَ ما أَحْلَى إِشْرَاقَكَ مِنْ أَفْقِ الْمَيَاثِقِ بَيْنَ أَهْلِ النِّفَاقِ وَأَشْتِيَاقَ بِاللَّهِ يَا عِشْقَ الْعَالَمِينَ بِكَ أَرْتَفَعَ عَلَمُ الْإِسْتِقْلَالِ عَلَى أَعْلَى الْجِبَالِ وَتَمَوَّجَ بَحْرُ الْإِفْضَالِ يَا وَلَهُ الْعَالَمِينَ بِوَحْدَتِكَ أَشَرَّقَتْ شَمْسُ الْتَّوْحِيدِ وَبِغُرْبَتِكَ زُيْنَ وَطَنُ الْتَّجْرِيدِ آنِ أَصْطَبِرْ يَا غَرِيبَ الْعَالَمِينَ قَدْ جَعَلَنَا الْذِلَّةُ قَمِيصَ الْعَزَّةِ وَالْبَلِيهُ طِرَازَ هَيْكَلِكَ يَا فَخَرَ الْعَالَمِينَ تَرَى الْقُلُوبَ مُلِئَتْ مِنَ الْبَغْضَاءِ وَلَكَ الْإِغْضَاءُ يَا سَتَارَ الْعَالَمِينَ إِذَا رَأَيْتَ سَيِّفًا آنَّ أَقْبِلَ إِذَا طَارَ سَهْمٌ آنَّ أَسْتَقْبِلَ يَا فِدَاءَ الْعَالَمِينَ أَتَنْوُحُ أَوْ أَنُوْحُ بَلْ أَصْبِحُ مِنْ قِلَّةِ نَاصِرِيَكَ يَا مَنْ بِكَ أَرْتَفَعَ نَوْحُ الْعَالَمِينَ قَدْ سَمِعْتُ نِدَاءَكَ يَا مَحْبُوبَ الْأَبْهَى، إِذَاً أَنَارَ وَجْهُ الْبَهَاءِ مِنْ حَرَارَةِ الْبَلَاءِ وَأَنوارِ كَلِمَتِكَ الْنُّورَاءِ وَقَامَ بِالْوَفَاءِ فِي مَسْهَدِ الْفِداءِ نَاظِرًا رِضَاءَكَ يَا مُقْدَرَ الْعَالَمِينَ آنِ يَا عَلِيُّ قَبْلَ أَكْبَرَ آنِ أَشْكُرَ اللَّهَ بِهَذَا الْلَّوْحِ الَّذِي تَجَدُّدُ مِنْهُ رَائِحَةُ مَظْلُومِيَّتِي وَمَا أَنَا فِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَعْبُودُ الْعَالَمِينَ لَوْيَقْرُؤُهُ الْعِبَادُ طُرًّا وَيَتَفَكَّرُونَ فِيهِ لَيُضْرِمُ فِي كُلِّ عِرْقٍ مِنْ عُرُوقِهِمْ نَارًا يَشَتَّعُ مِنْهَا الْعَالَمِينَ

کجاست سپاه آسمان امر تو، ای پادشاه عالمیان؟ همانا بیهوشی مرگ بر همه افق‌ها (آدمیان) مستولی شده است. کجایند قطرات دریای زندگانی تو، ای مایه زندگی عالمیان؟ همانا وسوسه‌های شیطان هر موجودی را در برگرفته است. کجاست شهاب آتش تو، ای نور عالمیان؟ همانا اکثر مردمان از هوا و هوس دگرگون شده‌اند. کجایند مطالع پرهیزکاری، ای مقصود عالمیان؟ این مظلوم را در پس پرده ستم و جور میان مردم شام می‌بینی. کجاست تابش روشنایی بامداد تو، ای روشنی عالمیان؟ می‌بینی آزادی بیان را از من گرفته‌اند. پس کجا نغمات تو ظاهر شود، ای کبوتر عالمیان؟ همانا تردید و خیال‌های باطل (اندیشه) بیشتر مردمان را تیره کرده است. کجایند مطالع یقین تو، ای مایه اطمینان عالمیان؟ همانا بهاء در دریای بلا غرق است. کجاست کشتی نجات تو، ای نجات دهنده عالمیان؟ می‌بینی که مطالع آیات تو در تاریکی امکان است. کجاست خورشید عنایت تو، ای روشنی بخش عالمیان؟ همانا چراغ‌های راستی و صفا و غیرت و وفا خاموش گشتند. کجاست نشانه‌های (مراتب) غیرت تو، ای حرکت دهنده عالمیان؟ آیا یاوری برای خود می‌بینی؟ یا کسی را در آنچه که در راه محبت تو بر او گذشته تفکر می‌کند، می‌بینی؟ اینجاست که قلم متوقف شد، ای محبوب عالمیان. همانا شاخه‌های سدرة المتنہی از ورش بادهای قضا شکسته است، کجایند پرچمهای یاری تو، ای یاری داده عالمیان؟ همانا این چهره را غبار افترا پوشانده است. کجایند بادهای رحمت تو، ای رحم کننده عالمیان؟ همانا ریا کاران دامن تقdis را آلوهه اند. کجاست زیور پاکدامنی تو، ای زینت دهنده عالمیان؟ همانا دریای عنایت بخاطر آنچه که دستهای مردمان فراهم آورد، راکد شده است. کجاست امواج فضل تو، ای مراد عالمیان؟ همانا در دیدار (خداآوند) از ستم دشمنان بسته شده است. کجاست کلید بخشش تو، ای گشاینده در برای عالمیان؟ همانا برگها از اسم‌های بادهای نفاق زرد شده‌اند. کجاست ریزش بخشش از ابربخشایش تو،

این جنُد سماءِ أمرکَ يا سلطان العالمینَ قَدْ تُرَكَتْ وَحَدَّةً فِي دِيَارِ الْغُرَبَةِ،
این مشارق وفائلَکَ يا وفاء العالمینَ قَدْ أَخَذَتْ سَكَرَاتْ الْمَوْتِ كُلَّ
الآفاقِ، این رشحات بحر حیوانکَ يا حیاۃ العالمینَ قَدْ أَحَاطَتْ
وساویس الشیطانِ مَنْ فِي الْإِمْكَانِ، این شهاب نارکَ يا نُورَ العالمینَ قَدْ
تَغَيَّرَ أَكْثَرُ الْوَرَى مِنْ سُكْرِ الْهَوَى، این مطالع الْتَّقْوَى يا مَقْصُودَ العالمینَ
تَرَى الْمَظْلُومَ فِي حِجَابِ الظُّلَامِ بَيْنَ أَهْلِ الْشَّامِ، این إشراق آنوارِ صَبَاحِكَ
يا مصباح العالمینَ تَرَانِي مَمْنُوعًا عَنِ الْبَيَانِ، مَنْ أَيْنَ تَظَهَّرُ نَعْمَاتُكَ يا
ورقاء العالمینَ قَدْ غَشَّتِ الظُّلُونُ وَ الْأَوْهَامُ أَكْثَرُ الْأَنَامِ، این مطالع
ایقانکَ يا سکینة العالمینَ قَدْ غَرَقَ الْبَهَاءُ فِي بَحْرِ الْبَلَاءِ، این فلكُ
نجاتکَ يا منجی العالمینَ قَدْ مَطَلَعَ آيَاتِكَ فِي ظُلُمَاتِ الْإِمْكَانِ، این
شمسُ أُفْقِ عِنَايَتِكَ يا نَوَارَ العالمینَ قَدْ خَبَّتْ مَصَابِيحُ الْصَّدِيقِ وَ
الْصَّفَاءِ وَ الْغَيْرَةِ وَ الْوَفَاءِ، این شُؤوناتِ غیرتکَ يا مُحَرَّكَ العالمینَ هَلْ
تَرَى مَنْ يَنْصُرُ نَفْسَكَ او يَتَفَكَّرُ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهَا فِي حُبْكَ إِذَا تَوَقَّفَ الْقَلْمُ
يا مَحْبُوبَ العالمینَ قَدْ كُسِّرَتْ أَغْصَانُ سِدَرَةِ الْمُتَنَهِي مِنْ هُبُوبِ أَرِيَاحِ
الْقَضَاءِ، این رایاُتْ نُصْرَتِكَ يا مَنْصُورَ العالمینَ قَدْ بَقَى الْوَجْهُ فِي غَيَارِ
الْإِفْتِرَاءِ، این أَرِيَاحُ رَحْمَتِكَ يا رَحْمَنَ العالمینَ قَدْ تَكَدَّرَ ذَيلُ الْتَّقْدِيسِ
مِنْ أُولَى الْتَّدَلِيسِ، این طِرَازُ تَنْزِيهِكَ يا مُزَينَ العالمینَ قَدْ رَكَدَ بَحْرُ
الْعَنَيَةِ بِمَا أَكْتَسَبَتِ أَيْدِيَ الْبَرَيَةِ این امواجُ فَضْلِكَ يا مُرَادَ العالمینَ
قدْ غُلُقَ بَابُ الْلَّقَاءِ مِنْ ظُلُمِ الْأَعْدَاءِ این مِفْتَاحُ جُودِكَ يا فَتَّاحَ العالمینَ
قدْ أَصْفَرَتِ الْأَوْرَاقَ مِنْ سَمَومِ أَرِيَاحِ الْنَّفَاقِ، این جَوْدُ سَحَابِ جُودِكَ